

در گوانتاناموی وزارت کشور چه گذشت



[سامان رسول پور](#)

[s.rasoulpour\(at\)gmail.com](mailto:s.rasoulpour(at)gmail.com)



حضور يك روزه ی ما در منفی چهار وزارت کشور، بدترین روز زندگی مان بود که هرگز از ذهن ما پاک نخواهد شد. یکی از ماموران که به محوطه ی زیرزمینی آمده بود، می گفت اینجا از گوانتانامو هم هزاربار بدتر است". این بخشی از اظهارات تکان دهنده یک فعال دانشجویی است که چند شب پیش در کوی دانشگاه بازدید داشت و به همراه سایر دانشجویان در زیر زمین وزارت کشور، تحت شدیدترین شکنجه ها و آزارهای جنسی قرار گرفته است.

این دانشجو که برای رعایت مسائل امنیتی از ذکر نامش خودداری کرده، مشاهداتش را چنین تعریف کرده است: "ما در يك گروه ۴۶ نفره توسط يك مینی بوس به زیرزمین وزارت کشور انتقال پیدا کردیم. در داخل مینی بوس چشم دانشجویان بسته شد. روی صندلی هایی نشانده شدیم که بر قسمت بالای صندلی سرپوشی حلبی مانند قرار داده شده بود که بالای سر قرار می گرفت. در طول مسیر به طور دائم با باتوم روی این حلبی ها می کوبیدند که صدای وحشتناکی در گوش ما ایجاد می کرد و بدترین نوع شکنجه روانی در آن زمان بود. پس از طی مسیر به ناحیه ای رسیدیم که از حرکت چرخشی رو به پایین مینی بوس متوجه شدیم که در حال ورود به يك زیرزمین هستیم. بعدها در زمزمه های ماموران و نیروهای لباس شخصی همراه فهمیدیم که این زیرزمین در وزارت کشور واقع است".

این دانشجو در ادامه گفته: "زیرزمین يك محوطه حدودا صد متری بود که کف آن پوشانده از خاکستری سیاه بود که از آن بخار برمی خاست. پس از آنکه به محوطه وارد شدیم مجبورمان کردند روی زمین دراز بکشیم و سپس وادار به غلطیدن روی زمین مان کردند. باید به گونه ای غلت می زدیم که سرمان به پای ردیف بعدی برخورد نکند؛ به محض برخوردی کوچک، با باتوم و لگد بر سر و بدنمان می کوبیدند. دائما می گفتند که "می خواهید انقلاب کنید... " و سپس فحش های هرزه و ناموسی بود که پشت سر هم نثارمان می کردند. برای جمع حدودا پنجاه نفری ما بیش از بیست نیروی گارد و لباس شخصی در این محوطه حضور داشت. در مرحله بعدی، روی زمین نشستیم و به طور متناوب به ما دستور نگاه کردن به زمین یا سقف را می دادند. پس از آنکه چند دقیقه ای دستور خیره شدن به زمین به ما می دادند، به ناگهان از پشت با باتوم و لگد بر سر و گردنمان می کوبیدند. یا در حالی که سر ما رو به پایین بود و به زمین خیره شده بودیم، سرباز وظیفه ای که در سنگدلی از ماموران گارد هم بدتر بود، با لگد

بر سر برخی دانشجویان می کوبید و می گفت: چرا به زمین نگاه نمی کنی؟! در حالی که سر همه دانشجویان رو به زمین بود."

این دانشجو در ادامه به تشریح نوع دیگری از بدرفتاریهای صورت گرفته می پردازد: "برخورد با دانشجویانی که قصد استفاده از دستشویی داشتند به شدت وحشتناک و غیر انسانی بود. اولاً اینکه دستشویی بدون در و پوشش بود و کسی که به دستشویی میرفت در معرض دید بود، ثانیاً زمان دستشویی ۳۰ ثانیه بود. پس از تمام شدن سی ثانیه دانشجویان را با غیرانسانی ترین شکل ممکن به بیرون پرتاب می کردند. یکی از رقت بارترین صحنه ها که هرگز از مقابل چشم دانشجویان پاک نخواهد شد، زمانی بود که زمان سی ثانیه یکی از دانشجویان به پایان رسید در این هنگام مامور دستشویی با لگد و درحالی که این دانشجو هنوز عریان بود او را از دستشویی به بیرون پرتاب کرد و به وسط جمع دانشجویان انداخت."

وی در باره آزار جنسی دانشجویان بازداشتی هم چنین می گوید: "یکی دیگر از رفتارهای زشت و کثیف با دانشجویان شکنجه جنسی آنها در منفی چهار وزارت کشور بود که زبان از گفتن و بازگو کردن آن شرم دارد. رفتارهای غیرانسانی و شکنجه آمیز به منفی چهار وزارت کشور محدود نبود. پس از انتقال ما به پلیس امنیت نیز شکنجه جنسی به نوعی انجام شد."

این دانشجو در مورد رفتارهایی که با بازداشتی ها پس از انتقال به پلیس امنیت، انجام شده، چنین گفته است: "هنگامی که به پلیس امنیت آوردن مان، رئیس دانشگاه - دکتر رهبر - به همراه یکی از نماینده های مجلس آمده بود. در حالی که خبرنگارانی برای عکس گرفتن از این حرکت افتخارآمیز! رئیس دانشگاه همراهشان بودند، به هر دانشجو يك تی شرت هدیه دادند! تا لباس های پوشیده از خون دانشجویان در معرض دید مردم قرار نگیرد. سوالی که از ذهن همه ما می گذشت این بود که دکتر رهبر در شب حمله کجا بود و چرا هیچ کاری برای جلوگیری از حمله نکرد؟ تلقی عموم دانشجویان این بود که آمدن رهبر به پلیس امنیت هم حرکتی تبلیغی بود، چون اگر به واقع به فکر دانشجویان بود باید در مقابل حمله به کوی دانشگاه مقاومت می کرد."

تحصن و اعتراض ادامه دارد

با این وجود اعتراضات دانشجویی ادامه دارد و در حالیکه از سرنوشت دیگر دانشجویان بازداشتی که بیش از چند ماه است در سلول های انفرادی تحت شکنجه و بازجویی قرار دارند، خبری نیست، صدها تن از دانشجویان دانشگاه تهران دیروز وارد چهارمین روز تحصن اعتراضی خود شدند. "اعتراض به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری، و اعتراض به سرکوب وحشیانه تجمعات اعتراضی دانشجویان و مردم ایران، و نیز تهاجم وحشیانه نیروهای انصار حزب الله به کوی دانشگاه تهران" محورهای مورد اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران است.

این در حالی است که دهها دانشجوی متحصن شب ها را نیز در محل تحصن بسر می برند و هر صبح تعداد دیگری از دانشجویان به آنان می پیوندند و به سردادن شعار می پردازند.

به گزارش خبرنگار امیرکبیر این "دانشجویان به اظهارات کذب فرهاد رهبر از بلندگوهای ضد ملی صدا و سیما" اشاره دارند و اینکه "رهبر هنوز هم مدعی است که هیچ دانشجویی تیر نخورده و هیچ دانشجویی هم کشته نشده است. این در حالی است که دیروز پیکر یکی از دانشجویان کشته شده در واقعه کوی دانشگاه تهران تشییع شد. هم چنین به گفته دانشجویان در حالی فرهاد رهبر ادعا می کند که هیچ دانشجویی در این واقعه تیر نخورده که تنها در بیمارستان شریعتی نزدیک به صد دانشجو

بستری هستند که تعداد قابل توجهی از آنان به ضرب گلوله نیروهای لباس شخصی و انصار حزب الله مجروح شده اند".

دانشگاه نفت

دانشگاه نفت نیز روزهای پر التهابی را می گذراند؛ در همین ارتباط انجمن اسلامی این دانشگاه هم در خصوص اوضاع کنونی بیانیه ای صادر کرد که در بخشی از آن آمده: " امروز صاحبان زر و زور و تزویر آتش بر ملتی گشوده اند که جمهوری اسلامی همه حیثیت و اعتبارش را مدیون آن هاست. امروز جوانان و آینده سازان ایران تنها و تنها به جرم اعتراضی مدنی در خیابان ها به خاک و خون کشیده می شوند. امروز حتی خانه ها هم نا امن اند؛ آن چنان که کوی دانشگاه تهران جولانگاه مزدورانی شد که فاجعه ۱۸ تیر را آفریده بودند اما، فاجعه بامداد ۲۵ خرداد فاجعه ای عظیم تر از فاجعه ۱۸ تیر ۷۸ شده است. حمله دژخیمان به بی دفاعانی که سلاحی جز قلم و گناهی جز اعتراض و تحصن ندارند را به چه چیزی جز وحشی گری می توان تعبیر کرد؟".

خاک سپاری با حضور مامورین

به خاک سپاری پیکر مصطفی غنیان، یکی از نشانه های این "وحشیگری" بود که دیروز در میان تدابیر شدید امنیتی انجام شد. مصطفی غنیان در جریان حمله نیروهای لباس شخصی و بسیجی ها به کوی دانشگاه کشته شد. او که دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران بود، در مشهد به خاک سپرده شد.
